

تجلی ملامت اندیشی در حکایت شیخ صنعنان

جبار خدامراadi^۱

چکیده

داستان شیخ صنعنان از حکایات طولانی منطق الطیر است. این حکایت را از جنبه های مختلف: ادبیات سمبولیک، هرمنوتیک، شخصیت پردازی، روانکاری و عرفان بررسی کرده اند. در این پژوهش حکایت شیخ صنعنان از جنبه ملامت اندیشی و اصول ادب ملامتی بررسی می شود. بررسی ها نشان می دهد که این حکایت ملامتی است و عطار اندیشه ملامتی را در آن به کار برده و شخصیت شیخ صنعنان در حقیقت نمودی از خود شاعر است. نگارنده پس از تعریف ملامتیه و مراجعه به منابع و فرهنگ ها و پژوهش های مرتبط و معتبر اصول و چهار چوب ملامت اندیشی را در این حکایت کاویده است. با دلایل پژوهشی خواننده را اقناع می کند که عطار در حکایت شیخ صنعنان و دختر ترسا ملامتی است و ملامتی می اندیشد.

واژگان کلیدی: شیخ صنعنان، ملامت اندیشی، عطار، منطق الطیر

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

Jabarkhodamoradi@gmail.com

تاریخ پذیرش

۹۷/۴/۲۰

تاریخ دریافت

۹۷/۱/۲۹

۱- مقدمه

داستان شیخ صنعن و دختر ترسا از مهمترین و طولانی ترین حکایات منطق الطیر عطار نیشابوری و شامل ۴۱۱ بیت است. این حکایت شورانگیز که روساختی عاشقانه دارد از دیدگاههای دیگری هم قابل بررسی و پژوهش است. اگر آن را مغز و هسته منطق الطیر بنامیم سخنی به گرافه نگفته ایم. پژوهشگران زیادی این حکایت را از جنبه های ساختار، نمادین، هرمنوتیک، شخصیت پردازی، روانکاری و عرفانی پژوهیده اند. مهمترین ها به عنوان پیشینه تحقیق شامل موارد زیر است:

الف: کتاب ها

- ۱- کتاب قلندریه در تاریخ بحث قلندریه و اندیشه های قلندری درباره عطار نیشابوری از محمدرضا شفیعی کدکنی، اندیشه قلندری و رندی عطار را بحث می کند.
- ۲- هرمنوتیک داستان شیخ صنعن در کتاب راز درون پرده از هرمز مالکی اندیشه های ملامتی را بحث می کند و تحلیل مفصلی از شیخ صنعن و دختر ترسا ارائه داده است.
- ۳- کتاب پژوهشی در قصه شیخ صنعن و دختر ترسا از جلال ستاری بحث محتوایی و تحلیل و بررسی از داستان صورت گرفته است.
- ۴- در کتاب جلوه های تصوف در ایران و جهان، عطاء الله تدین بحثی کرده است که عطار خود را قلندر و ملامتی می داند و استناد کرده است به ابیاتی از غزلیات وی.
- ۵- حکایت شیخ صنعن اثر دیگری است از رضا اشرفزاد، که در باره شیخ صنعن، مضمون این حکایت و محتوای آن بحث می کند و ابیات این حکایت را از منطق الطیر شرح و تحلیل کرده است.

ب: مقالات

- ۱- تحلیل داستان شیخ صنعن بر پایه نظریه تک اسطوره جوزف کمپل از محمد ریحانی و راحله عبداللهزاده بربزو، فصل نامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی.
- ۲- تفسیر داستان شیخ صنعن از محمدصادق خادمی، رشد آموزش زیان و ادبیات فارسی
- ۳- بررسی تطبیقی دو داستان عرفانی شیخ صنعن و شاه و کنیزک از دیدگاه علم و روایت شناسی داستانی از طاهره مددیان پاک، هفتمین همایش پژوهش های زبان و ادبیات فارسی سال ۹۲ دانشگاه هرمزگان.

- ۴- شخصیت پردازی در داستان شیخ صنعنان از آرزو احمد بیگی، فصل نامه علمی تخصصی دُرّدِری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزادی اسلامی واحد نجف آباد.
- ۵- تحلیل داستان شیخ صنعنان منطق الطیر عطار بر اساس نظریه کنشی گریماس از مسعود روحانی و علی اکبر شوبکلایی، نشریه علمی پژوهشی گوهر دریا (ادب عرفانی) سال ۹۱.
- ۶- تحلیل رمز شناختی داستان شیخ صنعنان از محمد علی آتش سودا، مجله علمی پژوهشی بوستان ادب سال ۹۱.
- ۷- نقد و تحلیل حکایت شیخ صنعنان بر اساس نظریه «فرآیند فردیت» یونگ از سعید بزرگ بیگدلی و احسان پورابریشم، فصل نامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی سال ۹۰. آقای محمد رضا شفیعی کدکنی، قلندری و اندیشه های قلندری به طور کلی در آثار عطار بحث کرده و آقای هرمز مالکی داستان شیخ صنعنان را از دیدگاه علم هرمنوییک بحث و بررسی کرده و گوشه چشمی به بحث ملامتی و تاریخچه آن انداخته است ولی بحث اندیشه ملامتی در داستان شیخ صنعنان و دختر ترسا هنور به طور کامل و مفصل بیان نشده است. با وجود این هنوز جای پژوهش های زیادی در این حکایت خالی است. یکی از این زمینه ها اندیشه و دیدگاه ملامتی در حکایت شیخ صنعنان و دختر ترسا است. مهم ترین سوال یا سوالاتی که سبب خلق این پژوهش شده است به قرار زیر است:
- ۱- آیا در این حکایت اندیشه های ملامتی وجود دارد؟ ۲- اصول و چهارچوب ملامت اندیشه چگونه در این حکایت تجلی می یابد؟ ۳- درون مایه و محتوای ملامت اندیشه شیخ صنعنان و دختر ترسا چقدر با اندیشه عطار ارتباط دارد؟ البته سوالاتی بیشتر از آنچه گفته شد در قسمت بحث و بررسی پژوهش به آن پرداخته می شود.
- در این پژوهش ابتدا تعاریفی از ملامت و ملامت اندیشه و نظریه بزرگان و عرفانی بحث می شود و اصول ملامتیه بررسی خواهد شد. در قسمت تنه اصلی مقاله با دلایل پژوهشی اندیشه هایی که در باب ملامتیه در حکایت شیخ صنعنان و دختر ترسا و اندیشه ای که عطار در این حکایت دارد بررسی می شود. فرض بر این است که داستان دارای اندیشه ملامتی داشته باشد و هیچ دور از ذهن نیست که شیخ صنعنان حقیقت احوال ملامت اندیشه عطار نیشابوری باشد.

۵۸ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

لامتیه در فرهنگ دهخدا این گونه تعریف شده است: «آن دسته از صوفیان که به جهت رعایت کمال و اخلاص نیکی خود را از خلق پنهان می کردند و بدی خود را مخفی نمی دانستند و آنها را ملامتیه و ملامیه نیز می گویند.» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ۲۱۴۴۶: ۲۱۴۴۶). در زیر این واژه تعاریف و جزئیات آن از رساله قشیریه و کشف المحجوب و نمونه بیتی از خاقانی ذکر شده است. در فرهنگ اصطلاحات عرفانی این چنین درباره ملامتیه آمده است: «فرقه ای از صوفیان که به عمد کارهایی انجام می دهند تاخق آنها را سرزنش کنند و از این طریق غرور و کبر را در خود می کشند تا به وادی هلاک نیفتند.» (سجادی، ۱۳۷۰: ۷۴۳). در فرهنگ مأثورات متون عرفانی تعاریف متعددی آمده است به شرح زیر است:

۱- المَلَامَةُ ترک السِّلَامِه. (حمدون قصار).

۲- المَلَامَةُ رجاءُ المرْجِيَه وَ خوفُ الْقَدْرِيَه. (ابوحمدون).

۳- المَلَامَه روضه العاشقين و نزهه المحبين و راحه المشتاقين و شرور المربيدين.

۴- المَلَامَه هُوَ الذِي لَا يَظْهَرُ خَيْرًا وَ لَا يَظْهَرُ شَرًّا. (صدری نیا، ۱۳۸۸: ۴۹۵).

۱-۱- مهمترین تعاریفی که بزرگان از ملامتیه کردند به شرح ذیل است:

۱-۱-۱ «لامتیه جماعتی باشند که در رعایت معنی اخلاص و محافظت قائد صدق نهایت جهد مبذول دارند و در اخفاکی طاعت و کتم خیرات از نظر خلق مبالغت واجب دانند.» (کاشانی، ۱۳۹۰: ۹۹).

۱-۱-۲ ملامت در برابر زهد قرار دارد:

آن زهد بود که با سلامت باشد عشق آن خوشتر که با ملامت باشد

(رازی، ۱۳۸۹: ۸۱).

۱-۱-۳- عطار نیشابوری :

و انگشت نمای خاص و عامیم	اکنون که نشانه ملامیم
زیرا که نه مرد ننگ و نامیم	تا کی سر نام و ننگ داریم
مشوقه خویش را غلامیم	در شهر ندا زنیم و گوییم
واندر طلب نشان و نامیم	هم نام به باد داده، هم ننگ
با رود و سرود و نقل جامیم	لیکن شب و روز در خرابات
با عقل و هدایت تمامیم	دیوانه نهایم، حاش اللہ

۱-۱-۴- حمدون قصار: «الملامه ترك السلامه» (هجويري، ۱۳۸۶: ۹۰).

۱-۲- اصول ملامتی بر اساس کتاب مکتب حافظ به نقل از کتاب نقد صوفی

۱-۱- ملامتیه اصرار داشتند در سبک زندگانی و رفتار و روش اجتماعی بر خلاف عame باشند.

۱-۲-۱- ملامتیه می کوشیدند وضعی داشته باشند که مورد نفرت و تخفیف و ناخشنودی و اجتناب مردم واقع گرددند.

۱-۲-۲- اگر در باطن تابع شرع بودند می خواستند مردم آنها را تارک شرع بپندارند.

۱-۲-۳- می کوشیدند مردم را علیه خود تحریک کنند تا حس لابالیگری و بی اعتمایی شان نسبت به حلق مورد پیدا کند.

۱-۲-۴- شعار ملامتیه: «الملامه ترك السلامه و الشهره آفه» بوده است و می خواستند به عدم تقوی و ترك شرع معروف شوند تا از سیر و سلوک درونی باز نمانند. (یوسفپور، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

۱-۳- بنیان های ملامتی (تاریخچه ملامتی و ملامت اندیشه)

از میان فرق صوفیه پیروان حمدون قصار که قصاریه نامیده می شوند بر طریق ملامت بوده اند و آن را گسترش داده اند. در کشف المحجوب در باب ملامت اولین شخص مورد ملامت را رسول خدا می دانند.

«چون رسول خدا به پیامبری رسید مردمان زبان ملامت و سرزنش به وی دراز کردند، گروهی گفتند کاهن است، گروهی گفتند شاعر است و گروهی او را مجnon و گروهی او را کاذب خوانندن.» (هجويري، ۱۳۸۶: ۸۵). بنیان ملامتی در خراسان به وجود آمد و به نیمه دوم قرن سوم هجری بر می گردد و بعد از خراسان به بغداد و سوریه امروزی گسترش می یابد. ملامتیه در حقیقت نهضتی در برابر کرامیان است. چون کرامیان با خشونت با مردم رفتار می کردند بعدها ملامتیان در دوره محمود غزنوی دچار ریا و خودبینی می شوند و از دل آنان قلندریه بر می خیزد. ناشر ملامتیه ابو صالح حمدون بن احمد قصار نیشابوری است. حنابله و ملامتیه همداستان و هم فکر بوده اند و با خرقه پوشی مخالفت می کردند چرا که آن را لباس شهرت و ریا می دانسته اند. (نگاه کنید به نقد صوفی صص ۱۰۵-۱۰۳) اساس اندیشه ملامتیه بر سرزنش و درد و بی حرمتی از خلق کشیدن بوده است.

۶ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

«اساس اندیشه ملامتی: ۱- اولیاء خدا ممکنند در او باش ۲- ملامتیه به رابطه بین مرید و مراد اعتراض داشتند و بر خلاف صوفی‌گری بودند ۳- به جمع و تدوین احوال و اخبار مشایخ متقدم بر خویشتن اعتنا و اعتقاد نداشتند.» (یوسف‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۵). «قدیمی‌ترین رساله در احوال و شرح منش ملامتیه را از ابو عبد الرحمن سلمی دانسته‌اند.» (همان: ۱۰۵). «میراث ملامتیه در قرن بعد به قلندریه می‌رسد.» (همان: ۱۱۲).

۱-۴-۱- تفاوت ملامتیه و قلندریه و رندان و آیین فتوت (جوانمردان)

«فرق میان ملامتی و قلندری آن باید که ملامتی در اخفای عبادات کوشد و قلندر در خرق عادت، ملامتی در جمله خیرات اعمال و طاعات سعی نماید و زیادتی مرتبه خود را بیند اما از چشم خلق مخفی و پوشیده می‌دارد. اما قلندری اساس ظاهر نگه ندارد و ذوق و دل سرمایه خود ساخته است.» (یوسف‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۱۴). اما شفیعی کدکنی ملامتی و قلندریه را یکسان دانسته است و تفاوت بین آن دو را دشوار می‌داند. «از آنجا که آیین قلندری و راه ملامت همیشه دور روی یک سکه بوده اند چه در دوره شکوفایی و تعالی آن‌ها و چه در مراحل پایانی، عهد زوال و ابتذال چیزی به نام قلندری، تفکیک این دو جریان کاری است دشوار و محال.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۲). رندان مردمانی آزاد و رها بوده اند و وابستگی به زن و فرزند و مال دنیا نداشته اند. رند بلاکش به ملامتیه نزدیک است و رند آواره به قلندریه نزدیک است. «رندان به سبب اینکه از خانمان رها بوده اند و در آوارگی به سر می‌برند آنها را قلندر می‌گفتند.» (برومند سعید، ۱۳۸۲: ۳۳۹). «رند بلاکش به ملامتیه نزدیک است.» (همان: ۲۵۳). عطار نیشابوری قلندر و ملامتی را یکی می‌داند و خود را قلندر و ملامتی خوانده است.

من از دردی کشان نیم مستم
هر آن توبه کز آن کردم شکستم
که دل در مهر آن دلدار بستم
ز بند ننگ و نام خویش رستم.
(به نقل از تدین، ۱۳۸۸: ۴۶۰)

«مرا قلاش می‌خوانند هستم
نمی‌گویم ز مستی توبه کردم
لامات آن زمان بر خود گرفتم
من آن روزی که نام عشق بردم

آیین فتوت هم با ملامتیه شباهت و مناسبت دارد چون دستگیری و بخشندگی به محرومین و آیین جوانمردی به کار می‌بستند. «فتوت طریقی دیگر از صوفیه است که رسم

و راه آن ساده و عملی در خور فهم پیشه وران و صنعت گران و کشاورزان است و آنان را جوانمردان و اهل فتوت نیز می نامند.» (یوسف پور، ۱۳۸۰: ۱۱۹)

۱-۵- بزرگان مكتب ملامته از ديدگاه شاعران، عرفان و نويسندگان

۱-۵-۱- آدم. نجم دایه اولین ملامتی را آدم می داند. «اولین ملامتی که در جهان بود، آدم بود و اگر حقیقت بخواهی حضرت جلت (خدای تعالی) بود زیرا که اعتراض اول بر حضرت جلت کردند.» (رازی، ۱۳۸۹: ۸۱)

۱-۵-۲- پیامبر اسلام. بسیاری از نویسندهای این نظر بر این دارند که انبیاء و اولیاء الهی مورد ملامت و تحقیر قرار گرفته اند از جمله رسول اکرم (ص) که مورد سرزنش و آزار مشرکین قرار می گرفت و این آیه در حق او نازل شد که «لا يخافون لومةً لائِمَ ذَلِكَ فَضْلٌ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِ.» (مائده/ ۵۴) همچنین نگاه کنید به: (تدین، ۱۳۸۸: ۴۴۰) و (هجویری، ۱۳۸۶: ۸۵)

۱-۶- بزرگان ملامتی در کتب عرفانی به قرار زیر است:

نویسنده کشف المحبوب حمدون قصار را پایه گذار و ناشر طریق ملامت می داند (هجویری، ۱۳۸۶: ۹۰) دیگر بزرگان: «ابوحفص نیشابوری، ابو عثمان حیدری در نیشابور، ابو عبد الله محمد بن منازل نیشابوری، ابو محمد المرتعش، ابوعلی شفیع و محفوظ بن محمود نیشابوری.» (یوسف پور، ۱۳۸۰: ۱۰۳) و (ابومسعود بن شبل، عبد القادر جیلی، صالح بربی، محمد بن قسوم و ابوعبدالله المهدوی) (تدین، ۱۳۸۸: ۴۶۸)

۱-۷- معرفی داستان شیخ صنعتان و تشابه با داستانهای دیگر

شیخ سمعان یا صنعتان و دختر ترسا مفصل ترین حکایتی است که در منطق الطیر عطار آمده و ۴۱۱ بیت است. عطار داستان را به زیبایی تمام سروده است. نویسندهای زیادی داستان شیخ صنعتان را بحث و بررسی، بازنویسی، شرح و تحقیق کرده‌اند. از جمله: پژوهشی در قصه شیخ صنعتان از جلال ستاری، حکایت شیخ صنعتان تحقیق و توضیح از رضا اشرف زاده، بهروز ثروتیان در کتاب شرح راز منطق الطیر داستان را شرح و بازنویسی کرده است. مأخذ این داستان را بزرگانی چون مجتبی مینوی و بدیع الزمان فروزان فر و عبدالحسین زرین کوب بررسی و بحث کرده اند.

۶۲ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

«اکنون تقریباً مسلم است که شیخ نیشابور، حکایت را از یک اثر منسوب به غزالی موسوم به تحفه الملوك اخذ کرده است. در روایت تحفه الملوك از شیخ صنعن به عنوان عبدالرزاق یاد شده، اما عبدالرزاق صنعنی محدث معروف عصر خویش بوده است.» (زرین کوب، ۱۳۹۱: ۱۳۰). «ماخذ این حکایت و کیفیت رسیدن آن به دست عطار را مجتبی مینوی از باب دهم تحفه الملوك امام محدث غزالی می‌داند.» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۳۰). شفیعی کدکنی می‌گوید عطار هنگام سرودن داستان شیخ صنعن تحفه‌الملوك غزالی را پیش چشم داشته است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۵۵). داستان شیخ صنعن / سمعان / سقا، با داستان‌های دیگر در منطق الطیر عطار مشابه است. از جمله داستان شیخ خرقه‌پوش نامدار که در قسمت وادی استغنا ذکر شده است یا همین مضمون شیخ صنعن در بسیاری از غزلیات عطار می‌توان دید. مثال غزل با این مطلع:

«جهانی جان چو پروانه از آنست که آن ترسا بچه شمع جهان است.»

با این مطلع:

«وشاق اعجمی با دشنه در دست بخون آلوده زلف و زلف چون شست.»

(به نقل از اشرف زاده، ۱۳۸۰: ۲۵- ۲۳).

حافظ در غزلیات خود بارها به حکایت شیخ صنعن نظری انداخته است. از جمله:

«گر مرید راه عشقی فکر بد نامی مکن شیخ صنعن خرقه رهن خانه خمار داشت» (حافظ، ۱۳۸۱، غ: ۷۷)

چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیرما
رو سوی خانه خمار دارد پیر ما»
(همان، غ: ۱۰)

بردرمیکده دیدم که مقیم افتاده است.»
(همان، غ: ۳۶)

«آنکه جز کعبه مقامش نبد از یاد لبت

۱-۸-۱- مختصری از حکایت شیخ صنعن

در حکایت چنین آورده اند که در حرم و حریم کعبه پیری بود به نام شیخ صنعن / سمعان که دارای کرامت بود و قریب چهارصد مرید داشت. شبی بعد از یک اتفاق خوابی، سخت دلتنگ می‌شود و به بلاد روم می‌رود. در این سفر عاشق دختری ترسایی می‌شود

ولی برای رسیدن به معشوق، دختر شرط‌های ضد شرع و دین سر راه او می‌گذارد از جمله: از اسلام دست بکشد، زنار ببندد، شراب بنوشد، گوشت خوک بخورد و خوک چرانی کند. شیخ صنعنان به اجبار به خواسته‌های دختر ترسا تن می‌دهد و مریدانش از او می‌برند تا سرانجام شبی یکی از مریدان خواهی می‌بیند و از رسول الله کمک می‌طلبد تا مرادشان به اسلام باز گردد. بعداز مدتی شیخ توبه می‌کند و به همراه مریدان به کعبه می‌رود دختر ترسا دنبال آنان می‌افتد، اسلام می‌آورد و دختر می‌میرد. لطفاً داستان را مفصل در منطق الطیر عطار بخوانید چون نوشن جزئیات داستان سبب اطاله سخن در این مقاله می‌شود.

۲- بحث و بررسی

با توجه به آنچه که در بند مقدمه در تعریف و شرح ملامت و اندیشه‌ها و اصول ملامتیه گفته شد نمونه‌هایی از این اندیشه‌ها و نظریه‌ها در حکایت شیخ صنعنان بحث می‌شود.

۱-۱- ملامت تضاد سلامت و زهد است. الملامه ترک السلامه (هجویری، ۱۳۸۶: ۹۰).

عشق آن خوش‌تر که با ملامت باشد آن زهد بود که با سلامت باشد
(رازی، ۱۳۸۹: ۸۱).

عافیت با عشق نبود سازگار عاشقی را کفر سازد یاد دار
(عطار، ۱۳۷۴: ۹۷).

زین چنین بسی در راه عشق این کسی داند که هست آگاه عشق
(همان: ۱۰۷).

۱-۲- ملامتیه از سرزنش خلق نترسند سعی بر آن داشتند تا مورد تنفر خلق
واقع شوند

اصول مکتب ملامتی بر اساس کتاب مکتب حافظ به نقل از یوسف پور بیان شده است که، «لاماتیه می‌کوشیدند وضعی داشته باشند که مورد نفرت و تحفیف و ناخشنودی و اجتناب مردم واقع گردند.» (یوسف پور، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

گفت من بس فارغم از نام و ننگ شیشه سالوس بشکستم به سنگ
(عطار، ۱۳۷۴: ۹۴).

عشق را بنیاد بربد نامیست هرکه از این سر کشد از خامیست
(همان: ۱۰۲).

۶۴ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

زهد بفروشیم و رسوایی خریم دین براندازیم و ترسایی خریم (همان : ۱۰۲).

۳-۲- بلا کشیدن و سختی کشیدن از شیوه های ملامتی است

«رند بلاکش به ملامتیه نزدیک است. این بیت از دیوان فیضی به نقل از کتاب آیین رندان: به کوی عشق من آن رند عافیت سوزم که گوش اهل ملامت پر از صدای من است.» (برومند سعید، ۱۳۸۲ : ۲۵۳).

خود نشان ندهد چنین شبها کسی در ریاضت بوده‌ام شبها بسی

(عطار، ۱۳۷۴: ۹۲).

روی خود در خاک می مالید خوش عاجز و سر گشته می نالید خوش

(همان : ۱۰۵).

۴-۲- ملامتی روشنی برای رفع خودبینی و دیگر بینی است.

«لاماتیه خود را به عمد معروض ملامت خلق می کردند تا به خویشتن فریفته نشوند و عبادت را وسیله جهت معبد شدن خویش نسازند.» (یوسف پور، ۱۳۸۰ : ۱۰۳). شیخ صنعن مریدان بی شماری داشت و مشهور عام و خاص شده بود. اگر این عشق که به رسوایی ظاهری سر می کشد برایش پیش نمی آمد و این توفیق الهی نبود، امیال نفسانی او را مغروف به خود می کرد و بیشتر مورد توجه و تعبد و سرسپردگی مریدان قرار می گرفت.

پیشوایانی که در پیش آمدند پیش او از خویش بی خویش آمدند

(عطار، ۱۳۷۴ : ۹۰).

گر چه خود را قدوه اصحاب دید چند شب برهم چنان در خواب دید

(همان : ۹۰).

در ابیات می بینیم شیخ صنعن با رفتن به روم از دست این همه سرسپردگی و عشق و اشتیاق مریدان به او، رهایی می یابد و مریدان او را رها می کنند.

وانگه ایشان از حیا حیران شده هر یکی در گوشه ای پنهان شده (همان : ۱۰۱).

چون بدیدند آن گرفتاری او باز گردیدند از یاری او (همان : ۱۰۰).

۵-۲- ترک آداب مسلمانی و ارتکاب محرمات.

لاماتیه از اسلام مجازی و ظاهربی بیزارند و با زهد ریایی سخت مخالفت می کنند. به

قول شیخ محمود شبستری:

ز اسلام مجازی گشته بیزار که را کفر حقیقی شد پدیدار (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۵۴۰).
«الملامة هُوَ الَّذِي لَا يُظْهِرُ خَيْرًا وَ لَا يُضْمِرُ شَرًا.» (صدری نیا، ۱۳۸۸: ذیل ملامتیه)
«لاماتیه در اخفای طاعات و کتم خیرات از نظر خلق مبالغت لازم واجب دانستند.»
(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۵)

خرقه در آتش در زد و در کار شد
نه ز کعبه نه ز شیخی یاد کرد
این چنین نو باوه رویش باز شست
عشق ترسا زاده کار خویش کرد
کس مبیناد آنچه من دیدم ز عشق
(عطار، ۱۳۷۴: ۹۸).

شیخ چون در حلقه زنگار شد
دل ز دین خوبیشتن آزاد کرد
بعد چندین سال ایمان درست
کفرو خذلان قصد این درویش کرد
خمر خوردم بت پرستیدم ز عشق

۲- جبر گرایی و رضایت به قضا و قدر یکی از اندیشه های ملاماتیه است.

لاماتیه قضای الهی را عامل تمام موارد می دانند. چه عشق به دین و چه خروج از دین و چه ارتکاب به اعمال محرمات را همه از تقدير الهی می دانند. شفیعی کدکنی تمام کارهایی که شیخ صنعن کرده است و دختر ترسا ازاو خواسته در مقدمه منطق الطیر بیان می کند. یکی از آن موارد این است: «قضای الهی عامل خروج از دین اسلام است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۶۴). « و سنت بار خدای عالم- جل جلاله- هم چنین رفته است که هر که حدیث وی کند عالم را به جمله ملامت کننده وی گرداند و سرّ وی را از مشغول گشتن به ملامت ایشان نگاه دارد.» (هجویری، ۱۳۸۶: ۸۵).

بر سر منظر نشسته دختری.» (عطار، ۱۳۷۴: ۹۱).
«از قضا را بود عالی منظری
بودنی چون بود بهبودی نبود.» (همان: ۹۲).
«پنددادندش بسی سودی نبود
از برای این شبم می ساختند.» (همان: ۹۳).
«کار من روزی که می پرداختند
آنچه کرد آن پیر اسلام از قضا.» (همان: ۱۰۰).
«هیچ کافر در جهان ندهد رضا
کز قضا او را چه بارآمد به بر
وز قدر او را چه کار آمد به سر.» (همان: ۱۰۱).
«هر چه می گویند در ره ممکنست
رحمت و نومید و مکر و ایمنست.»
(همان: ۱۰۷).

۶۶ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

«گفت این آتش چو حق در من فگند من به خود نتوانم از گردن فکند. همان : ۹۴.»

۷-۲- از نشانه های ملامتی و صوفی صافی و صادق، درویش شدن پس از توانگری است و ذلیل شدن پس از عزت.

خود عطار نیشابوری روزگاری طبابت می کرد و جمع کثیری به او محتاج بودند و از لحاظ ثروت و دارایی در اوج و کمال بود و بعد از آن تحول روحی و تحت تاثیر قرار گرفتن، سربه درویشی و عشق و عرفان می زند. یا شیخ صنعن با داشتن آن همه عزت و آن همه مریدان و منزلت ذلیل و خفیف ترسازاده ای می شود و خوکچرانی می کند و حقارت می کشد. «ابو حمزه بغدادی می گوید: علامت صوفی صادق آن است که پس از توانگری درویش شود و پس از آنکه عزیز بود خوار شود و پس از آن که مشهور بود پوشیده گردد و علامت صوفی کاذب آن است که توانگر گردد پس از درویشی و عزیز گردد پس از خواری و معروف گردد پس از آن که مجھول بود.» (قشیری، ۱۳۶۷: ۴۶۹).

۸-۲- نترسیدن از لوم لائم:

لامتیه از ملامت عوام نترسند و ملامت را برای خود فضل خداوند می دانند. لقوله تعالی: «ولا يخافون لومه لائم ذلك فضل الله يؤتىءه من يشاء و الله واسع عليم» (المائدہ/۵۴)

«لامتیه برای آن که به ریا و خود فروشی دچار نشوند از اظهار قبایح و معایب نفس در نزد عامه ابا نداشتند و نفس را همواره متهم و ملوم می خواستند.» (یوسفپور، ۱۳۸۰: ۱۰۳). شیخ صنعن در اندیشه عطار آنچنان است که هر کس بگوید او گمراه باشد، برایش مهم نیست و اگر یاران و مریدان قدیم از او ناراحت و شکسته دل شوند اهمیتی ندارد. نه بهشت برایش اهمیت دارد و نه دوزخ، نه ایمان برایش مهم است و نه شرم از حق. «گفته اند تصوف بیفکنندن جاه بود و سیاه روی در دنیا و آخرت.» (قشیری، ۱۳۶۷: ۴۷۴).

«آن دگر گفتش که هر ک آگاه شد گوید این پیر این چنین گمراه شد
گفت من بس فارغم از نام و ننگ شیشه سالوس بشکستم به سنگ
آن دگر گفتش که یاران قدیم از تور رنجورند و مانده دل دو نیم

* * *

_____ تجلی ملامت اندیشی در حکایت شیخ صنعن (۷۷-۶۷)

آن دگر گفتش که دوزخ در ره است مرد دوزخ نیست هر کو آگه است

* * *

آن دگر گفتش که از حق شرم دار

گفت این آتش چو حق در من فگند

(عطار، ۱۳۷۴ : ۹۴).

۹-۲- مشغول نبودن به خود و به خلق.

یکی دیگر از مرام‌های ملامتی از بین بردن غرور و خود بینی و رهایی از دوستی خلق است یعنی دوستی‌های مردمان سبب غرور و تکبری شود. بسیاری از نویسندها و شارحین منطق الطیر، شیخ صنعن را این چنین بحث کرده اند که او با خوک‌چرانی در حقیقت خوک درون خود را می‌کشد. با رفتن به نزد دختر ترسا به ذلت و خواری و زnar بستن و خمر خوردن و سجده بر بت و ترک اسلام و شریعت؛ برای مبارزه با نفس و حجابی است که از راه تدین و مسلمانی به وجود آمده است. «شیخ عطار از طرح خوک بانی شیخ صنعن که برای جبران کابین دختر پیشه کرده است، نتیجه حکمی گرفته و از نهاد خوک دار انسان و لزوم کشتن آن دیو نفس را نشانه رفته است:

در نهاد هر کسی صد خوک هست

کاین خطرآن پیر را افتاد و بس

سر برون آرد چو آید در سفر.»

(به نقل از قراؤزلو، ۱۳۸۶: ۱۸۸).

۱۰-۲- ملامتیه نهضتی است علیه مقدس مآبی.

مقدس مآبی و در حجاب شریعت افتادن، گمراهی بزرگی است. هر آنچه که سالک را به خود مشغول دارد، از حق باز می‌دارد. گرفتار شدن در صورت پرستی عین بت پرستی است. شیخ صنعن از سیر و سلوک ظاهری، عادت بدون عشق مریدان و تسليیم بی قید و شرط بیزاری می‌جوید. به قول شیخ محمود شبستری در گلشن راز:

«بت پرستی چون بمانی در صورت برو معنی نگر

هر که او در ره به چیزی بازماند شد بتیش آن چیزگو با بت بساز»

(لاهیجی، ۱۳۷۴: ۱۳۲).

۶۸ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

می بینم که مریدان به صورت وظاهر دین در حکایت شیخ صنعان متousel می شوند. وقتی شیخ گرفتار عشق دختر می شود، خبری از توکل و صبر و احوال دل نیست. یکی می گوید غسل بکن، دیگری می گوید تسبیح گوی و مریدان دیگر، از توبه و خواندن نماز و سجده کردن دم می زند که تمام این موارد همه ظاهر دین است. جواب شیخ در برابر آنان، خارج از صورت و ظاهر دین است. مثلاً توبه کردن از ناموس و حال، محرابیم روی نگار، سجده در برابر بت که در عرفان مفهومی عالی دارد. سرانجام فارغ بودن شیخ از نام و ننگ مهمترین سلاح مبارزه با مقدس مآبان است. «مالامتیه نهضتی بود علیه مقدس مآبی برخی از صوفیان که زهد را به ریا می آوردند.» (یوسف پور، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

جمع گشتند آن شب از زاری او
خیز این وسواس را غسلی برآر
کرده ام صد بار غسل ای بی خبر
کی شود کار تو بی تسبیح راست
تا توانم بر میان زنار بست
گر خطای رفت بر تو، توبه کن
تایبم از شیخی و حال و محال
خیز خود را جمع کن اندر نماز
تاباشد جز نمازم هیچ کار
خیز در خلوت خدا را سجده کن
سجده پیش روی او زیباستی
یک نفس درد مسلمانیت نیست
تا چرا عاشق نبودم پیش از این
تیر خذلان بر دلت ناگاه زد
گو بزن چون چُست و زیبا می زند
گوید این پیر این چنین گمراه شد
شیشه سالوس بشکستم به سنگ
(عطار، ۱۳۷۴: ۹۴-۹۳).

جمله یاران به دلداری او
همنشینی گفتش ای شیخ کبار
شیخ گفتش امشب از خون جگر
آن دگر یک گفت تسبیحت کجاست
گفت تسبیحم بیفگندم ز دست
آن دگر یک گفت ای پیر کهن
گفت کردم توبه از ناموس و حال
آن دگر یک گفت ای دانای راز
گفت کو محراب روی آن نگار
آن دگریک گفت تا کی زین سخن
گفت اگر بت روی من اینجاستی
آن دگر گفتش پشیمانیت نیست
گفت کس نبود پشیمان بیش از این
آن دگر گفتش که دیوت راه زد
گفت گر دیوی که راهم می زند
آن دگر گفتش که هر ک آگاه شد
گفت من بس فارغم از نام و ننگ

نمادها و نشانه‌های زهد در این ابیات: غسل، تسبیح، توبه، نماز، سجاده و سجده، مسلمانی و اعتقاد به بعد منفی شیطان. نمادها و نشانه‌های صوفیه گری و ملامتی: خون جگر، زnar، دوری از نام و شهرت، روی نگار، بت، عشق، فارغ از نام و ننگ و اعتقاد به بعد مثبت شیطان.

۲-۱۱-۲- ترک شهرت و نام و استقبال از بد نامی.

لامتیه شهرت را مانعی بر سرراه مرام و مسلک خود می‌داند. یعنی شهرت و مسلمانی و شهرت در ایمان و مذهب حاجابی نورانی است و آنها را از حقیقت باز می‌دارد و دریند شریعت نگه می‌دارد. نویسنده کشف المحبوب ملامت را دارای سه وجه می‌داند: راست رفتن و قصد کردن و ترک کردن. وی ترک کردن را چنین تحلیل می‌کند: «صورت ملامت ترک کردن آن بود که یکی را کفر و ضلالت طبیعی گریبانگر شود تا به ترک شریعت و متابعت آن بگوید و گوید: این ملامتی است که من می‌کنم و این راه او بود اندرا او.» (هجویری، ۱۳۸۶: ۸۸). همچنین نگاه کنید به یوسف پور در کتاب نقد صوفی: «لامتیه می‌خواستند به عدم تقوی و ترک شرع معروف شوند تا از سیروسلوک درونی باز نمانند.» (یوسف پور، ۱۳۸۰: ۱۰۵)

یا این بیت از دیوان اسیری به نقل از آیین رندان:

«رندیم و ملامتی و بدنام قلاش و حریف ساغر و جام»

(به نقل ازبرومند سعید، ۱۳۸۲: ۴۴۱).

شیخ صنعن در عشق به ترسا یک سری اعمال انجام می‌دهد که باعث بدنامی و ترک شهرت و نام اوست. از جمله مهمترین کارهایی که شیخ صنعن می‌کند شامل موارد زیر است:

۱-۱۱-۲- خمر خوردن:

چار کارت کرد باید اختیار	«گفت دختر گر تو هستی مرد کار
خمر نوش و دیده را ایمان بدوز	سجده کن پیش بت و قرآن بسوز
(عطار، ۱۳۷۴: ۹۶).	

۲-۱۱-۲- اقتدا به کفر:

با من این دم دست در گردن کنی	«اقتدا گر تو به کفر من کنی»
(همان: ۹۷).	

۷۰ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

۲-۱۱-۳- زنار بستن:

خرقه در آتش زد و در کار شد» (همان : ۹۸).

۲-۱۱-۴- بت پرستی:

بت پرستیدم چو گشتم مست مست
«روز هوشیاری نبودم بت پرست
(همان : ۹۸).

۲-۱۱-۵- خوک چرانی کردن:

خوک وانی کرد سالی اختیار» (همان : ۱۰۰).

۲-۱۱-۶- قرآن فراموش کردن:

از من بی دل چه می خواهی بگوی
پیش بت مصحف بسوزوم مست مست
خواب خوش بادت که در خورد منی.
(همان : ۹۸).

حکمت اسرار قرآن و خبر

شسته بودند از ضمیرش سر به سر
(همان : ۱۰۴).

۲-۱۲- شیخ صنعن راهنمای و مرشد است و یکی از اصول ملامتیه ارشاد خلق

است.

در داستان شیخ صنعن و دختر ترسا از یک طرف دختر ترسا راهنمای شیخ است تا تمام خودبینی ها و خوک صفتی ها و نام و ننگ را از خود به دور کند و از طرف دیگر شیخ راهنمای مریدان است تا هیچ وقت پیر و مراد خود را تنها نگذارند و از جهت دیگر شیخ هدایت گر دختر ترسا به اسلام است و ایمان.

آفتاب آنگاه بگشادی زبان

کز پی شیخت روان شو این زمان
ای پلیدش کرده پاک او بیاش
در حقیقت تو ره او گیر باز
ازرهش بردی، به راه او درآی
بعد از آن دختر ترسا به شیخ می گوید:
گفت از تشویر تو جانم بسوخت
بیش ازین در پرده نتوانم بسوخت

برفگندم توبه تا آگه شوم
عرضه کن اسلام تا با ره شوم

شیخ بر وی عرضه اسلام داد

غلغله در جمله یاران فتاد (همان : ۱۰۶).
«حمدون قصار ملامتی نامدار قرن پنجم هجری از مشایخی است که معتقد بود حق را
با هر جانی رابطه ای، اتصال و پیوندی است و با هر دل پاک و بدون زنگار هوس، رازی در
میان است. حمدون در گفتار روش هایش به وضوح داعیه ارشاد و رهبری خلق را داشت و
لامتی بودن درویش را درسیر و سلوک نورمعرفتی می پندشت که آتش طلب را تیزتر
می نماید.» (تدين، ۱۳۸۸ : ۴۶۷).

در حکایت شیخ صنعن و دخترترسا هر دو شخصیت ملامتیه هستند و هردو کار ارشاد
و هدایت بر عهده دارند. دختر ترسا در آخر که عاشق شیخ می شود از خان و مان خود آواره
می گردد و به دنبال شیخ و مریدان می افتد. سرانجام اسلام می آورد و بدون شک انگشت
لامت هم مذهبیان و ترسائیان به او دراز است و تنها می ماند. در پایان داستان به مرتبه
فنا می رسد و جان به جانان می سپارد. در این قسمت از داستان مقام دختر از شیخ والاتر
می شود چرا که شیخ در دنیای مجازی می ماند و دختر ترسا به دنیای حقیقت می رود.

قطرهای بود او در این بحر مجاز سوی دریای حقیقت رفت باز (عطار، ۱۳۷۴ : ۱۰۶).

**۲-۱۳- ملامتی و قلندری یکی از روش های عرفانی است و عطار هم می گوید منم
لامتیم.**

باید گفت عطار در بیشتر آثارش خود را ملامتی خوانده است و ملامتی و قلندری اوج
عرفان و ادبیات عرفانی است. نگاه کنید به قلندریه در تاریخ. شفیعی کدکنی ملامتیه و قلندریه
را اوج ادبیات فارسی و خورشید منظومه شمسی این جهان بینی می داند. (شفیعی کدکنی،
۱۳۸۶ : ۳۵). بیشتر پژوهشگران بر این اعتقاد هستند که ادب ملامتی و رفتار و منش
حکایت شیخ صنعن، منش خود عطار است. «رفتار و منش دوگانه شیخ صنعن در این
داستان بازتابی است طبیعی از دوگانگی شخصیت و منش خود عطار که در جای جای آثارش
جلوه های آن را می توان دید.» (مالکی، ۱۳۸۷ : ۷۹). همچنین نگاه کنید به دیوان عطار:

اکنون که نشانه ملامتیم و انگشت نمای خاص و عامیم

تا کی سر نام و ننگ داریم زیرا که نه مرد ننگ و نامیم

مشوقه خویش را غلامیم در شهر ندا زنیم و گوییم

۷۲ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

هم نام به باد داده هم ننگ
واندر طلب نشان و نامیم
لیکن شب و روز در خرابات
با رود و سرود و نقل و جامیم
دیوانه نهایم حاش الله
با عقل و هدایت تمامیم
(عطار، ۱۳۴۵، غ، ۶۳۱ : ۵۰۵).

با توجه به آنچه در این قسمت گفته شد عطار نه تنها خود را ملامتی نامیده است بلکه سروden داستان شیخ صنعت و گرفتاری هایی که برای شیخ پیش می آید، همچنین بحث و جدالی که مریدان با او دارند کاملاً ملامتی بودن داستان و شیخ نمایان است. «عطار در مناظره شیخ صنعت با مریدان و نیز در صحنه دیر معان او را به کسوت یک صوفی ملامتی قلندرشوش درمی آورد و منش و سلوک این جماعت را به تصویر می کشد.» (مالکی، ۷۲: ۱۳۸۷).

دلایل دیگری از ملامتی و ملامت اندیشی عطار نیشابوری: (الف) برخی تذکره نویسان بر این باورند که شیخ نظام الدین اولیا مانند بسیاری از بزرگان سهوروردیه و چشتیه از مکتبی پیروی می کرد که عطار از منادیان آن بوده است. پس می توان نتیجه گرفت که عطار هم ملامتی و ملامت اندیش است. (نگاه کنید به تدین، ۱۳۸۸: ۲۹۲). (ب) کتاب جلوه های تصوف و عرفان در ایران و جهان به نقل از دیوان عطار ابیاتی آورده است که عطار خود را قلندر و ملامتی می داند.

من از دردی کشان نیم مستم
«مرا قلاش می خوانند هستم
هر آن توبه کز آن کردم شکستم
نمی گوییم ز مستی توبه کردم
که دل در مهر آن دلدار بستم
لامامت آن زمان بر خود گرفتم
ز بند ننگ و نام خویش رستم.»
من آن روزی که نام عشق بردم
(به نقل از همان: ۴۶۰).

۱۴-۲- وفاداری به پیر یکی از اصول ملامتیان است.

در داستان شیخ صنعت مریدان وفادار شیخ نیستند. او را در روم تنها می گذارند و می بینیم یکی از مریدان که آگاه به احوال شیخ است و مرید صادق است، بر سایر مریدان ایراد می گیرد و انتقاد می کند که چرا او را یاری ندادید. چرا همراه او نشدید. از پیر و ولی و مراد خویش باید پیروی می کردید.

تجلی ملامت اندیشی در حکایت شیخ صنعنان

در ارادت دست از کل شسته بود
زو نبودی شیخ را آگاهتر.
(عطار، ۱۳۷۴، ۱۰۱:)

«شیخ را در کعبه یاری چست بود
بود بس بیننده و بس راهبر

در وفاداری نه مرد و نه زنان
یاری او از چه نگرفتید پیش.
(همان: ۱۰۱).

«با مریدان گفت ای تردمانان
گر شما بودید یار شیخ خویش

جمله را زنار می بایست بست
جمله را ترسا همی بایست شد
کانچه کردید از منافق بودنست
یار باید بود اگر کافر شود.
(همان: ۱۰۲).

«چون نهاد آن شیخ بر زنار دست
از برش عمدانمی بایست شد
این نه یاری و موافق بودنست
هر که یار خویش را یاور شود

۲- زهد خامی و خشک مذهبی است ولی ملامتی پختگی و آزاداندیشی.
در داستان شیخ صنعنان و دختر ترسا هدف مبارزه با زهد ریایی و خشک مذهبی است.
منظره و جداول شیخ با مریدان یکی از مهمترین این احوال است. دختر ترسا بعد از اینکه
شیخ آن چهار خواسته ای که مطرح کرده بود به جا می آورد، او را پخته در عشق می خواند
و می گوید قبل از این خام بودی.

«پیش از این در عشق بودی خام خام

خوش بزی چون پخته گشتی والسلام.» (همان: ۹۸).
«دختر گفت این زمان مرد منی. پیش از این در عشق خام بودی اما اینک پخته شدی و
در خورد منی. در راه عشق باید کامل و تمام بود و آماده ایثار و جانفشانی. نه محنث که نه
مرد است و نه زن ولی جامه مردان پوشیده است.» (ستاری، ۱۳۷۸: ۲۰).

۳- نتیجه گیری

بررسی های انجام شده نشان می دهد که داستان شیخ صنعنان درون مایه های متفاوتی
دارد. یکی از این موارد اندیشه ملامتی در این حکایت است. شیخ صنعنان مورد ملامت و
سرزنش مریدان و زاهدان قرار می گیرد و نگاهی مرتد و خارج شده از اسلام به او دارد،
همچنین دختر ترسا وقتی به اسلام حقیقی شیخ ایمان می آورد، بدون شک ترسائیان و

۷۴ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

اهل دیرمغان او را ملامت می کنند. هر چند خود عطار مستقیم به آن اشاره نکرده است ولی می توان آن را از فحوات کلام فهمید. دراین حکایت هر دو شخصیت داستان (شیخ صنعت و دختر ترسا) از سرزنش اطرافیان باکی ندارند و خشنودند. اصول و مرام ملامتی برای هردو پیش می آید. هردو از زهد مذهب خود خارج شده، تهدید می شوند، آزار می بینند و از سرزنش استقبال می کنند. دراین راه سختی های زیادی می کشند، پختگی در هر دو شخصیت داستان به وجود می آید، مراحل کمال بشری را طی می کنند. نتیجه مشبت داستان رهایی از غرور و خودبینی و کشتن خوک درون برای شیخ و کشتن نفس زیبایی پرستی و غرور به خویشتن برای دختر ترساست. ترک آداب مسلمانی و دینی، یکی دیگر از این مرام ها بود. بی اثر بودن زهد و عبادت ظاهری و اسیر شدن در صورت دین از بهترین نتایج این حکایت است. علاوه براین، اعتقاد به قضا و قدر در داستان موج می زند. هردو شخصیت از مقام و منزلت و ثروت به ذلت و خواری و حقارت می افتدند که از مهمترین اصول ملامت اندیشه است. این داستان قیام علیه زهد خشک مذهبان است. در اینجا نام، ننگ است و ننگ و حقارت، سرافرازی. خمر خوردن و خوک چرانی و زناربستان شیخ و فراموشی آداب و اخبار و آیات قرآن خود بهترین نشانه های ملامتی و قلندری است. عطاربه این اندیشه ها اعتقاد دارد. وی قبل از این، پزشکی صاحب نام و متمول بود. رهایی او از شغل عزتمند و پردرآمد شروع ملامتی و قلندری است. اعتراض عطار از همراهی و پیروی نکردن محض مریدان از شیخ خود را می توان یکی دیگر از مرام های ملامتی نامید. از مهمترین پیام های این حکایت: رهایی از زهد ریایی، اعتراض به زنجیر تقدس و مقدس مآبی، غلبه ناخودآگاه بشری بر خود آگاهی، برتری عشق و دل بر عقل و محافظه کاری، رهایی از خودبینی و غرور به اعمال حسن، که حجابی بزرگ است.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم ترجمه الهی قمشه ای
اشرف زاده، رضا. ۱۳۸۰. حکایت شیخ صنعن. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- برومند سعید، جواد. ۱۳۸۲. آیین رندان. چاپ اول. تهران: پازنگ.
- تدین، عطاء الله. ۱۳۸۸. جلوه های تصوف و عرفان در ایران و جهان. چاپ
چهاردهم. تهران: انتشارات تهران.
- حافظ، مولانا شمس الدین محمد. ۱۳۸۱. دیوان غزلیات حافظ. به کوشش دکتر خلیل
خطیب رهبر. چاپ سی و دوم. تهران: انتشارات صفوی علیشاه.
- دھندا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت نامه دھندا. چاپ دوازدهم. تهران: دانشگاه تهران.
- رازی، نجم الدین. (معروف به دایه). ۱۳۸۹. مرصاد العباد. به اهتمام و تصحیح محمد امین
ریاحی. چاپ چهاردهم. تهران: علمی و فرهنگی.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۹۱. صدای بال سیمرغ. درباره زندگی و اندیشه عطار. چاپ
ششم. تهران. سخن.
- ستاری. جلال. ۱۳۷۸. پژوهشی در قصه شیخ صنعن و دختر ترسا. چاپ اول. تهران: مرکز.
- سجادی، سید جعفر. ۱۳۷۰. فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. چاپ
اول. تهران: طهوری.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. ۱۳۸۶. قلندریه در تاریخ دگردیسیهای یک ایدئولوژی. چاپ
اول. تهران. سخن.
- صدری نیا. باقر. ۱۳۸۸. فرهنگ مأثورات متون عرفانی. چاپ اول. تهران: سخن.
- عطار، فرید الدین. ۱۳۹۰. تذكرة الاولیاء. با مقدمه و تصحیح دکتر محمد استعلامی. چاپ
بیست و دوم. تهران: زوار.
- . ۱۳۴۵. دیوان اشعار. به اهتمام تقی تفضلی. چاپ نهم. تهران: علمی فرهنگی.
- . ۱۳۹۰. گزیده منطق الطیر. با انتخاب و شرح دکتر سیروس شمیسا. چاپ
دوازدهم: تهران. قطره.
- . ۱۳۸۹. منطق الطیر. با انتخاب و شرح محمد رضا شفیعی کدکنی. چاپ هفتم.
تهران: سخن.

_____ ۷۶ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

- . ۱۳۷۴. — با مقدمه و تصحیح محمد روشن. چاپ اول. تهران: نگاه.
قراگزلو، محمد. ۱۳۸۶. چنین گفت شیخ نیشابور. رساله ای در باب سلوک شناخت عطار.
چاپ دوم. تهران: نگاه.
قشیری، ابوالقاسم. ۱۳۷۶. رساله قشیریه. با تصحیح و استدراک بدیع الزمان فروزانفر. چاپ
اول. تهران: علمی و فرهنگی.
کاشانی، عزالدین. ۱۳۹۰. مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه. ج ۱. با تصحیح جلال الدین
همایی و ویرایش مجید سرمدی. چاپ اول. تهران: علمی.
لاهیجی، شمس الدین محمد. ۱۳۷۴. مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز شیخ محمود
شبستری. با مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی. چاپ دوم.
تهران: زوار.
مالکی، هرمز. ۱۳۸۷. راز درون پرده. هرمنوتیک داستان شیخ صنعت. چاپ اول. تهران: انتشار.
هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان. ۱۳۸۶. کشف المحجوب. با مقدمه و تصحیح و تعلیقات
محمود عابدی. چاپ سوم. تهران: سروش.
یوسف پور، کاظم. ۱۳۸۰. نقد صوفی. بررسی انتقادی تاریخ تصوف با تکیه بر اقوال صوفیان
تا قرن هفتم. چاپ اول. تهران: روزنه.

Quran karim. trajome Ellahi Qomshaei.

Ashrafzade, Reza. 2001/1380SH. **Hekaiate Shiekh Sanan.** 2nd edition.
Tehran:asatir.

Bromandsaeed , Javad.2003/1382SH. **Aein rendan.** first edition.Tehran:
paz'ang.

Tadaion,Ataoollah.2009/1388 SH. **Jelvahaie Tasavof va Erfan dar
iran va Jahan.**fourteen edition.Tehran:Tehran.

Hafez, Shamsodin Mohamah.2002/1381SH.**Divane Ghazaliat.**By DR
Khlil khatibrahbar.chap sio dovom.Tehran: safi alishah.

Dehkhoda, Aliakbar. 1988/1377SH. **Loghatname.** twelfth edition.
Tehran: Tehran university.

Razi, Najmodin (Daáie). 2010/1389SH. **Mersadollebad.** by Mohamad
amin riahi. fourteen edition.Tehran:elmi va farhangi.

Zarinkoob, Abdoolhosain. 2012/1391SH. **Sedaie ball e simorgh.** about
live and thought of Attar.sixth edition.Tehran :sokhan.

- Satary, Jallal. 1999/1378 SH. **paz'oheshi dar ghesai e sheikh Sanán va doukhtare tarsa.** first edition.Tehran: markaz.
- Sajadi, saied jaefar. 1992/1370SH. **farhange estelahat va taebirate erfani.** first edition. Tehran: Tahori.
- Shafieikadkani, Mohamad reza.2007/1386 SH. **Qalandarie dar tarikh.** first edition. Tehran:sokhan.
- Sadrinia, bagher.2009/1388 SH. **farhange ma esorate mootone eirfani.** first edition. Tehran: Sokhan.
- Attar, Faridodin.2011/1390 SH. **Tazkeratollaoleia** by Mohamad estealami. twenty second edition. Tehran: Zavar.
- , -----.1966/1345SH. **divaneashaar.** by taghi tafazolli.ninth edition. Tehran:ellmi va farhangi.
- ,-----.2011/1390SH. **gozide mantegholltair.**selected by Siros Shamisa. twelfth edition.Tehran: Qatreh.
- ,-----.2010/1389SH. **Mantegholltir.** selected and description by Mohamadreza SHafiei kadkani.seventh edition. Tehran: Sokhan.
- ,-----.1995/1374SH. by Mohamad raoshan. first edition.Tehran: negah.
- Ghragozlo, Mohamad.2007/1386SH. **chonin goft sheikhe nishabor.** second edition. Tehran:negah.
- Ghishiri,Aboll ghasem.1988/1367SH. **resallaieghoshireia** by badieoll zamane forozanfar.first edition. Tehran:ellmi va farhangi.
- Kashani,Ezzedin.2011/1390SH. **mesbahollhedaie va meftahollkefaie.** jelde1. by Jallalloldin Homaiy va edition by Majid Sarmadi.first edition.Tehran:ellmi.
- Lahiji,Shamsodin Mohammad.1995/1374SH. **mafatihalleagaz fee sharhe golshan raz Sheikh Mahmod Shabestari.** correction by Mohammad reza barzegare khaleghi va Efatekarbasi.second edition. Tehran: Zavar.
- Maleki, Hormoz.2008/1387SH. **raze daroone pardeh.** hermenotic of Sheikhe sanān story. first edition.Tehran:enteshar.
- Hojviri,Abollhasan Aliebn Osman.2007/1386SH. **Kashfollmahjob.** by Mahmod Abedi.third edition.Tehran: sorosh.
- Yusefpoor, Kazem.2001/1380SH. **naghdesofi.** barrasie enteghadi tarikhe tasavof ba tekie bar aghvale sofian ta gharne haftom. first edition. Tehran: Raozane.